



فرهنگی



از بعثت تا انقلاب

مروری بر شباهت‌های بعثت نبوی و انقلاب اسلامی

میت الاسلام و المسلمین مواد ممدتی



اشاره:

همگونی بعثت رسول خاتم ﷺ و انقلاب اسلامی ایران، از پدیده‌های زیبای تاریخ اسلام است. آن «تجلی اعظم» که در عصر جاهلیت رخ داد، نمونه و نمود روشنی از لطف خدا به بشریت بود. و این «انقلاب اسلامی» که در تاریخ معاصر صورت گرفت، شاهدی بر تداوم نعمت و منت الهی به انسان‌های شایسته و قدرشناس بود.

شباهت‌های فراوانی میان این دو حرکت و نهضت، چه در کیفیت ظهور و مراحل نهضت، چه در اهداف و شیوه‌ها، چه در پیروان و مخالفان، چه در دشمنی‌ها و دشمنان و چه در شیوه‌ها، عملکرد، دستاوردها و ویژگی‌ها وجود دارد که در این نوشته به برخی از این همسانی‌ها و همگونی‌ها اشاره می‌شود.

۱. نهضتی بر ضد فرهنگ حاکم

بعثت رسول اکرم و پیامبر اعظم ﷺ در شرایطی بود که بت‌پرستی و فرهنگ جاهلی حاکم بود. پیامبر خدا آن جو را شکست و حرکتی بر ضد کفر پدید آورد و فرهنگ جامعه را از شرک به توحید و از بت‌پرستی به خداپرستی تغییر داد. در نهضت اسلامی ایران نیز، امام امت (قدس سره) به جای نظام سلطنت، «حکومت اسلامی» را مطرح کرد و فرهنگ شاه‌دوستی و شاه‌پرستی را بر هم زد و طرحی نو در انداخت و آنچه را که حتی در ذهن خیلی‌ها نمی‌گنجید و باور نکردنی می‌نمود، محقق ساخت.

۲. تغییر مسیر تاریخ

بی‌شک پیدایش و ظهور اسلام، فصل نوینی در تاریخ بشریت و آغاز مرحله‌ای جدید در فرهنگ و تمدن انسانی بود. مسیر تاریخ عوض شد و امتی نو، با تفکر و اعتقاداتی جدید و نظامی نوین پدید آمد و بر کل تاریخ اثر گذاشت. با پیروزی انقلاب نیز، نظامی نوین بر پایه «ولایت فقیه» شکل گرفت، تاریخ ایران دگرگون شد، سلطه بیگانگان بر این کشور قطع گردید و «انقلاب» به خطی تبدیل شد که قطب‌های جهان و قطب‌بندی نظام‌های جهانی را تحت تأثیر قرار داد و تحولات فکری، سیاسی و نظامی مهمی نه تنها در منطقه، بلکه در سطح جهان پدید آورد. روشن است که در این نوشته که بنا بر اختصار است، نمی‌توان به جزئیات و نمونه‌ها و شواهد پرداخت.

۳. دوران کمون و ظهور

اسلام محمدی، در آغاز بعثت، مرحله‌ای را به صورت «دعوت مخفی» گذراند. در آن دوران سه ساله، یارگیری می‌شد و روابط و دعوت‌ها پنهانی بود، مسلمانان در شرایط اختناق و خفا و کنمان به سر می‌بردند و پیوستن خود را به دین جدید، مخفی می‌کردند. پس از سه سال، فرمان خدا مبنی بر آشکار کردن دعوت نازل شد: «فَاذْعُ بِمَا تُوْمَرُ وَاَعْرَضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»^۱ و پیامبر خدا مأمور شد تا امر خدا را علنی کند و با اعراض از مشرکان، جبهه توحیدی خویش را آشکار سازد.

در نهضت ایران نیز، به دلیل خفقان پلیسی و حاکمیت ساواک، سال‌ها تلاش‌های مبارزاتی به صورت مخفی و با رعایت تقیه و مخفی کاری بود. مبارزان با پوشش و محمل در عرصه انقلاب و بیدارگری حضور داشتند و کمتر به رویارویی صریح و اعلان مخالفت آشکار می‌پرداختند. اما در مرحله‌ای نیز، پس از فراگیر شدن فکر انقلاب و بیداری عمومی،

انقلاب اسلامی
ایران، بعثت مجددی
در عصر «جاهلیت مدرن»
است؛ امام امت نیز،
رسول این رستاخیز
فکری و ایمانی.

رسول خدا ﷺ در
چشم‌انداز آینده‌امت، ابرهای
فتنه و حرکت‌های قدرت‌طلبانه
را می‌دید. نگران آینده بود و بارها
هم این نگرانی را ابراز کرده بود. اما
تعیین جانشین و تأکید بر جایگاه اهل
بیت و هشدار دادن نسبت به فتنه‌ها،
لغزش‌ها و انحراف‌ها، تا حد زیادی
جلوی خطر‌ها را گرفت.



تظاهرات آشکار و شعارهای مرگ بر شاه و تحسّن‌ها و فریادها و درگیری‌ها علنی شد. نقطه بارز این مرحله، پس از فوت مرموز مرحوم حاج آقا مصطفی، و مرحله بارزتر آن قیام ۱۹ دی در قم بود که به اربعین‌های پی در پی متصل شد تا انقلاب پیروز گشت.

حتی رهبری نهضت نیز، پیش از آغاز مبارزه علنی خود در ۱۵ خرداد و سخنرانی‌های تند ضد شاه، دوره‌ای را به تماس‌های مختلف و نامه‌نگاری به علمای بلاد و آگاهانیدن چهره‌های سرشناس و مؤثر نسبت به توطئه‌های ضد اسلام و قضایای پشت پرده گذراند تا بستری برای اعلان حرکت ضد رژیم فراهم شده باشد.^۲

۴. هجرت در دو انقلاب

همواره «هجرت»، در گشودن افق‌های تازه، چه به روی فرد یا جامعه یا یک اندیشه و مکتب، نقش مهمی ایفا کرده است. مهاجران نیز در رساندن پیام یک دعوت به مخاطبان جدید و شکستن حصارهای تحمیلی مؤثر بوده‌اند. پیامبر اسلام، گروهی از مسلمانان را فرمان داد تا به حبشه هجرت کنند. برای نشر دعوت توحیدی خویش نیز، یک بار به طائف هجرت کرد، که زمینه مساعدی نیافت. به دنبال شدت یافتن مخالفت کفار قریش با مسلمانان حتی تصمیم و توطئه آنان برای کشتن رهبر نهضت و آسودگی همیشگی از این دعوت، تصمیم به «هجرت» گرفت و از مکه به یثرب مهاجرت کرد. در این هجرت که مؤمنان مهاجر نیز شرکت داشتند، حصار تنگ و بسته مکه شکسته شد و پیامبر زمینه بهتری برای دعوت و تبلیغ در مدینه به دست آورد.

در انقلاب اسلامی نیز، وقتی رژیم بعث عراق فعالیت‌های امام خمینی (ره) را محدود ساخت، امام برای حصار شکنی، از عراق محدود و حکومت وابسته عراق بیرون رفت. ابتدا به مرز کویت رفت و چون نگذاشتند، عزیمت به پاریس و اقامت چند ماهه در نوفل لوشاتو را داشت. اگر در عراق نمی‌گذاشتند امام نطق کند و اعلامیه بدهد و پیام خود را به پیروانش برساند، در دهکده نوفل لوشاتو در حومه پاریس، خبرنگاران مطبوعات و رسانه‌های عمومی و خبرگزاری‌های مهم و فراوان، نوبت گرفته و به صف می‌شدند، تا مجالی برای مصاحبه با رهبر انقلاب بیابند و دیدگاه‌ها و اهداف او را در این حرکت، به جهانیان گزارش کنند. این هجرت، سهم مهمی در جهانی ساختن مرام و پیام امام داشت و افکار جهانیان را متوجه این رهبر مذهبی شیعه کرد که با یک اشاره‌او، امواج خروشان در ایران به راه می‌افتاد. هم

هجرت تحمیلی امام، از ایران به ترکیه و سپس اقامت چهارده ساله در نجف، و هم هجرت انتخابی وی از نجف به فرانسه و از آنجا به ایران، سرفصل برجسته‌ای در نهضت بود و آثار و برکات فراوانی داشت.

۵. بازگشت فاتحانه و با عزت

حضرت رسول ﷺ در سال هشتم هجری، با قدرت و عزت مگه را فتح کرد و فاتحانه وارد شهری شد که روزی مجبور شده بود با فشار و آزار دشمنان آنجا را ترک کند. وقتی هم وارد شد، مکه و مکیان در برابر او و ارادماش تسلیم شدند و این پایگاه مهم به تصرف نیروهای موحد درآمد.

در روز ۱۲ بهمن سال ۵۷ نیز، امام امت با عزت و قدرت وارد ایران شد و مورد استقبال میلیونی مردم قرار گرفت. روزی امام را از ایران تبعید کردند، اما روز بازگشت، فرشی از انسان‌ها و بستری از دل‌های عاشق و آماده فداکاری بر سر راه امام راحل گسترده شده بود. اگر روزی که پیامبر در هجرت به یثرب، مورد استقبال پرشور مردم قرار گرفت و نوای زیبای «طَلَعَ الْبَدْرُ عَلَيْنَا مِنْ ثَنِيَاتِ الْوُدَاعِ...» طنین افکن شد، روزی هم که حضرت امام به ایران بازگشت در فرودگاه مهرآباد و همه جای ایران سرود «خمینی ای امام» به گوش می‌رسید.

۶. تشکیل دولت اسلامی

امام در بدو ورود و روزهای نخستین بازگشت، با پشتیبانی ملت، «دولت» تشکیل داد و زمام امور مملکت را به دست گرفت، آنگونه که پیامبر خدا «ص» در دوران مدینه، با حاکمیت وارد این شهر شد و حکومت اسلامی تشکیل داد.

پیامبر اکرم ﷺ، در دوران مگه، «تأسیس ملت» کرد و در دوران مدینه «تشکیل دولت» داشت^۱ و توانست همه قبایل و طوایف و مهاجر و انصار را تحت یک نظام و رهبری الهی، متشکل و منسجم سازد و اولین منشور مدنی و پیمان را میان اقشار و گروه‌های مختلف در همان سال اول هجرت، منعقد سازد.^۲

امام خمینی (ره) نیز پس از ورود به ایران، «دولت موقت» تشکیل داد، رهبری کشور را به عهده گرفت، شورای انقلاب را مأمور مدیریت کشور ساخت، بر برقراری همه پرسی نظام جمهوری اسلامی تأکید کرد و موفق شد حکومتی مقتدر بر مبنای آموزه‌های اسلامی و بر پایه «ولایت فقیه» تأسیس کند و الگوی تازه‌ای از حکومت را به جهان عرضه کند.

۷. صف آرای مخالفان و منافقان

با قدرت یافتن حضرت رسول ﷺ و تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، منافقانی که از روزه‌های خود را برای داشتن سهمی در قدرت، بر باد رفته می‌دیدند، بنای کارشکنی گذاشتند؛ در حملات مشرکین بر ضد مسلمانان به عنوان ستون پنجم با آنان تبانی و همکاری داشتند و با القائات و شبهه‌افکنی و ایجاد یأس و تزلزل در صفوف مسلمین، از پشت خنجر می‌زدند. پیامبر خدا نیز به فرمان پروردگار، مأمور شد تا با آن توطئه‌گران منافق برخورد کند و همانگونه که با کفار می‌جنگد، با منافقین هم بجنگد و بر آنان سخت بگیرد و در برابرشان قاطع باشد (یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم)، اگر چه پیوسته یکی از مشکلات جامعه در عصر رسول خدا، وجود منافقان بود که چهره دوست و خودی نشان می‌دادند.

در انقلاب اسلامی ایران نیز، منافقان که در آغاز، خود را در خط امام جلوه می‌دادند، صف خود را جدا کرده، روی در روی نظام اسلامی ایستادند و حرکت مسلحانه بر ضد انقلاب را آغاز کردند که نقطه اوج این شورش و فتنه، «۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰» بود. از آن پس، امام و انقلاب هم در مقابل این ضد انقلاب‌های انقلابی‌نما



طرح: استاد آشنایی با کمی تصوف

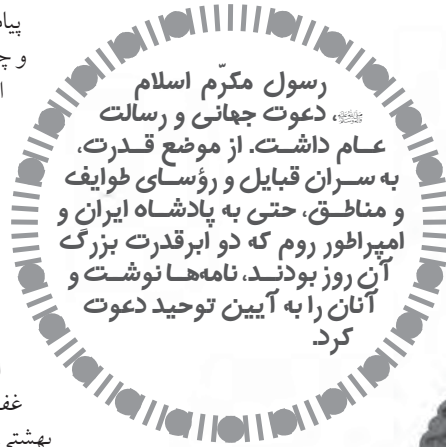
ایستادند و با فرار سران نفاق به خارج از کشور و دستگیری عناصر اصلی سازمان منافقین، این حرکت خنثی شد، هر چند به قیمت از دست دادن ارزنده‌ترین عناصر و چهره‌های انقلاب انجامید. آنچه در کردستان، ترکمن صحرا و مناطق دیگر پیش آمد و ترورها، انفجارها و فعالیت‌های مسلحانه این گروه، تکرار همان شیوه‌های منافقان زمان پیامبر بود. نفاق با شیوه‌ها و در چهره‌های جدید همچنان خطری بزرگ فسر روی انقلاب اسلامی است.

پس از رحلت امام امت نیز، برخی بی‌وفایی کردند، «خط امام» را از یاد بردند، دوران ارزش‌ها را سپری شده تلقی کردند، مبارزات و سوابق ممتد خویش را زیر سؤال بردند و در یک کلمه، راه خود را از راه فرزندان امام و شهدا و ایثارگران جدا کردند.

۸. شهادت یاران انقلاب

پیامبر اعظم ﷺ، چه در طول سال‌های مکه و آغاز بعثت و چه در سال‌های مدینه و درگیری‌های مختلف، بسیاری از یاران خویش را از دست داد. آن حضرت شهادت کسانی چون سمیه و یاسر و حمزه و اصحاب زیادی را در دوران مکه و در جنگ‌های بدر و احد و غزوات دیگر شاهد بود.

امام راحل نیز، چه در عصر خفقان طاغوتی و در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های رژیم پهلوی و چه در متن نهضت و ترورهای کور منافقان و چه در سال‌های دفاع مقدس، یاران عزیزی را که بازوهای امام محسوب می‌شدند از دست داد. از شهید سعیدی و غفاری گرفته، تا شهید حاج مهدی عراقی و بزرگانی چون بهشتی، مطهری، باهنر، قدوسی، چمران و شهدای محراب و صدها چهره بر جسته دیگر.



۹. جنگ و صلح

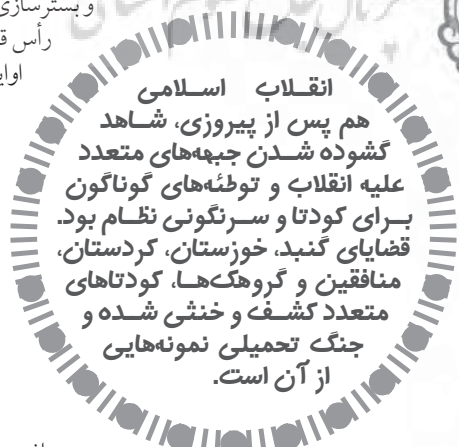
دشمنان اسلام، جنگ‌های متعددی را بر پیامبر خدا ﷺ تحمیل کردند. پس از تشکیل حکومت نبوی در مدینه، جنگ‌های بدر، احد، احزاب، حنین، تبوک و ... پیش آمد. پیامبر، رهبری عملیات نظامی و دفاعی را بر عهده داشت و امت مسلمان پیوسته در رکاب پیامبر، به جهاد با دشمنان اسلام می‌پرداخت. در یک مرحله هم پیامبر خدا ﷺ صلح حدیبیه را امضا کرد، هر چند برای او و مسلمانان سنگین بود، ولی به صلاح مسلمین بود.

انقلاب اسلامی هم پس از پیروزی، شاهد گشوده شدن جبهه‌های متعدد علیه انقلاب و توطئه‌های گوناگون برای کودتا و سرنگونی نظام بود. قضایای گنبد، خوزستان، کردستان، منافقین و گروهک‌ها، کودتاهای متعدد کشف و خنثی شده، و جنگ تحمیلی نمونه‌هایی از آن است. امام امت، به عنوان «فرمانده کل قوا» هدایت عمومی و اصلی دفاع مقدس و مقابله با توطئه‌ها را بر عهده داشت. آنگونه که در دوران ده ساله پس از هجرت پیامبر، نزدیک به هشتاد عملیات رزمی (به صورت غزوات و سریه‌ها) انجام گرفت، انقلاب اسلامی هم شاهد ده‌ها نبرد و عملیات بزرگ و کوچک، چه با مهاجم خارجی و چه با توطئه‌گران داخلی بود و در مقطعی از جنگ نیز که امام مصلحت را در پایان جنگ دیدند، آن را پذیرفتند.

۱۰. دوران قبل و بعد از پیروزی

پیامبر خدا ﷺ پس از بعثت، دوره ۱۳ ساله را در مکه به تبلیغ و فردسازی و بسترسازی گذراند. پس از هجرت و قدرت یافتن نیز، ده سال در رأس قدرت دینی، سیاسی و نظامی اسلام قرار داشت و در اوایل سال یازدهم هجری رحلت نمود.

امام راحل نیز، پس از آغاز قیام که به تبعید وی به ترکیه و سپس به نجف منجر شد، مدت ۱۴ سال به زمینه‌سازی فکری و سیاسی «حکومت اسلامی» پرداخت، پس از پیروزی انقلاب نیز به مدت ده سال به عنوان رهبر انقلاب و ولی فقیه، در رأس نظام اسلامی قرار داشت و در اوایل سال یازدهم درگذشت.



۱۱. دعوت از قدرت‌های بزرگ

رسول مکرم اسلام ﷺ، دعوت جهانی و رسالت عام داشت. از موضع قدرت، به سران قبایل و رؤسای طوایف و مناطق، حتی به پادشاه ایران و امپراتور روم که دو ابرقدرت بزرگ



آن روز بودند، نامه نوشت و آنان را به آیین توحید دعوت کرد.^۷

حضرت امام (ره) به فکر بیداری جهان اسلام و رهانندن مستضعفان از بند و زندان استکبار و اندیشه‌های الحادی بود. از این رو، نامه‌هایی که به پاپ، رهبر مسیحیان جهان و «گورباچف»، رئیس اتحاد جماهیر شوروی که یکی از دو قطب بزرگ جهان بود، نوشت. هر دو حرکت‌هایی حکیمانه و پیامبرگونه بود، تا ندای اسلام انقلابی را به گوش جهان برساند و زمینه‌ساز رهایی مستضعفان از سلطه ابر قدرت‌ها گردد.^۸

۱۲. تداوم رهبری

تصور جمعی بسر آن بود که پس از رحلت پیامبر خدا ﷺ بساط اسلام هم برپیده می‌شود و مردم دوباره به جاهلیت برمی‌گردند. در حالی که فلسفه سیاسی اسلام بر «امامت و وصایت» استوار بود که تداوم خط رسالت را تضمین می‌کرد. قرآن کریم نیز بر این نکته تأکید داشت که نباید پس از رحلت یا شهادت پیامبر، «رجعت به جاهلیت» پیش آید و مردم به عقب برگردند (أَلَا مَاتَ أَوْ قَتَلَ لَقَلْبَتُمْ عَلٰیٰ اَعْقَابِكُمْ...)^۹. برای تأمین و تضمین این هدف، حادثه غدیر خم و نصب امیر المؤمنین (ع) به خلافت و ولایت صورت گرفت و بدین صورت، دین به کمال رسید و نعمت، تمامیت یافت.

در انقلاب اسلامی نیز، تصور برخی از دشمنان بر آن بود و چنان تبلیغ می‌کردند که انقلاب پس از امام از بین خواهد رفت. دوستان نیز از تصور دورانی که «امام» نباشد، سخت نگران بودند. اما از آنجا که در قانون اساسی، اصل «ولایت فقیه» گنجانده شده بود، نگرانی وجود نداشت. خبرگان رهبری پس از رحلت امام، در جلسه‌ای فوری، آیت الله خامنه‌ای را به رهبری برگزیدند. نه خلأ رهبری پیش آمد و نه نظام از هم فرو پاشید. بدین صورت، رهبری تداوم یافت و به موازات آن، انقلاب هم استمرار پیدا کرد.

۱۳. نگرانی از آینده

رسول خدا ﷺ در چشم‌انداز آینده امت، ابرهای فتنه و حرکت‌های قدرت‌طلبانه را می‌دید. نگران آینده بود و بارها هم این نگرانی را ابراز کرده بود. اما تعیین جانشین و تأکید بر جایگاه اهل بیت و هشدار دادن نسبت به فتنه‌ها، لغزش‌ها و انحراف‌ها، تا حد زیادی جلوی خطر را گرفت. هر چند آنچه در سقیفه اتفاق افتاد، جریانی برخلاف امر خدا و وصیت پیامبر بود، لیکن راه روشن بود و خطوط مشخص. نگرانی دیگر پیامبر خدا ﷺ از در افتادن برخی از چهره‌های معروف، در دامن دنیاطلبی و تکاثر و ریاست‌طلبی و زد و بندهای سیاسی بود.^{۱۰}

رهبر انقلاب ایران نیز، در سال‌های پایانی عمر پربرکت خویش، نگرانی‌هایی داشت، آن هم بیشتر از سوی خودی‌ها و داخلی و نه از سوی قدرت‌های خارجی و دشمنان. بیم تفرقه، دنیاطلبی، رفاهدگی و بی‌دردی، کشمکش‌های سیاسی و قومی، از این نمونه بود. تداوم انقلاب در خط اصیل خود و بر مبنای «اسلام ناب محمدی» نیز دغدغه دیگر امام راحل بود. وضعیت رهبری مطرح برای پس از امام نیز بر این نگرانی دامن می‌زد. جریان فتنه‌باری که پیرامون «قائم مقام رهبری» وجود داشت، چنان نگران کننده و حساس بود که امام را به یک «جراحی سیاسی» واداشت و برای این که انقلاب و جمهوری اسلامی به دست نامحرمان نیفتد و کشور دو دستی به آمریکا تحویل داده نشود، با تلخکامی بسیار، طی نامه‌ای حکم به «عزل» قائم مقام کرد و همه پیامدهای آن را نیز پذیرفت، چون سر نوشت اسلام و انقلاب، مهم‌تر از همه این‌ها بود.

۱۴. بیماری و عروج

رسول خدا ﷺ در اواخر عمر خویش، بارها از رفتن و رحلت قریب الوقوع خود خبر می‌داد. در روزهای پایانی هم که به بستر بیماری افتاد دل‌های بسیاری که هم عاشق او بودند، هم نگران آینده‌لرزید و چشم‌های بسیاری گریست. آن حضرت، پس از مدتی بیماری، به سوی حبیب خود و به ملکوت اعلا پرکشید و امت را عزادار ساخت.

امام راحل نیز، آهنگ رفتن داشت. گفته بود که از خدا بخواهید مرا بیدار کنید. ایام بیماری و عمل جراحی امام، همراه با دلهره و اضطراب امت بود. چه دل‌ها که لرزید و چه دیده‌ها که گریست. اما سرانجام، امام بزرگوار، با قلبی آرام و ضمیری مطمئن به جوار قرب خدا پرکشید و امت را به سوگ نشاند.

۱۵. بازگشت به طاغوت

پس از پیامبر خدا، عده‌ای «راه» را رها کردند، واپس گرا شدند و جاهلیت را زنده کردند، برخی در پس نام «سنّت» و وصیت‌های نبوی را پشت گوش انداختند و برای تصاحب قدرت و ثروت، چه فتنه‌ها که برافروختند.

پس از رحلت امام امت نیز، برخی بی‌وفایی کردند، حتی برخی با نام «خط امام» هدف امام را از یاد بردند، دوران ارزش‌ها را سپری شده تلقی کردند، مبارزات و سوابق ممتد خویش را زیر سؤال بردند و در یک کلمه، راه خود را از راه فرزندان امام و شهدا و ایثارگران جدا کردند... از این فصل تلخ و رنج‌آور می‌گذریم.

نقاط مشترک دیگری نیز هست، که طرح آنها به درازمی انجامد.

باری... همانگونه که پس از پیامبر، دین او

ماند و قرآن او فرهنگ‌ساز شد و عصرها و نسل‌ها را تحت تأثیر قرار داد و به کوری چشم دشمنان قسم خورده اسلام و قرآن، «آیین محمدی» روز به روز گسترده‌تر، زنده‌تر، اثرگذارتر و بیدارکننده‌تر می‌شود، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی هم پس از رحلت امام امت، تداوم یافت و روز به روز بر دامنه امواج اثرگذارش افزوده شد.

همان‌سان که توطئه صهیونیست‌ها و غربی‌ها را در اهانت به ساحت مقدس پیامبر اعظم ﷺ، برخاسته از وحشت و هراس آنان در گرایش رو به رشد جهان به اسلام و تشیع می‌دانیم، خصوصت‌های استکبار بر ضد جمهوری اسلامی را هم، نتیجه تأثیر این انقلاب، در بیداری مسلمانان جهان و شکست ابهت ابر قدرت‌ها می‌شناسیم.

اگر اسلام پیامبر، تمدنی عظیم و خیره‌کننده را در جهان پدید آورد، انقلاب اسلامی هم معادلات جهان را بر ضد مستکبران بر هم زد و شالوده تفکر و نگاه و خیزش جدیدی گشت.

هم اسلام ماندگار و پایدار است، هم به

خواست خدا انقلاب اسلامی ایران. هم نام محمد ﷺ پیوسته درخشان‌تر می‌شود، هم نام «خمینی» همواره درخشان و الهام‌بخش است.

انقلاب اسلامی ایران، بعثت مجددی در عصر «جاهلیت مدرن» است و امام امت نیز، رسول این رستاخیز فکری و ایمانی.

مردم ما نیز، مهاجران و انصاری بر گرد شمع «امام» اند، و شعاعی که بر محور و مرکز «ولایت» پدید آمده است.

باشد که خط پیامبرگونه خمینی، در ولایت علمدار چفیه بسر دوش، تا ظهور صاحب اصلی ولایت، تداوم یابد.

آمین، رب العالمین

پی‌نوشت‌ها:

۱. میراحمد رضا حاجتی، کتاب «عصر امام خمینی»، بوستان کتاب.
۲. سوره حجر (۱۵)، آیه ۹۴.
۳. رک: سیدحمیدروحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، (فصل‌های پیش از قیام ۱۵ خرداد و قضایای مربوط به احیای کابینه‌تولاسیون).
۴. تعبیر برگرفته از کتاب انقلاب تکاملی اسلام جلال الدین فارسی است.
۵. رک: جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، حوادث پس از هجرت.
۶. سوره توبه (۹) آیه ۷۳ و سوره تحریم (۶۶) آیه ۹.
۷. نامه‌های پیامبر خدا ﷺ از جمله در کتاب ارزشمند «مکاتیب الرسول» آیت الله احمدی میانجی (ره) آمده است.
۸. نامه به گورباچف در صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۶۶ مطالعه کنید.
۹. سوره آل عمران (۳) آیه ۱۴۴.
۱۰. به مقاله «نگرانی‌های بزرگ پیامبر» از نویسنده، در فصلنامه کوثر، شماره ۵۰، (تابستان ۱۳۸۱) رجوع شود.